

فرقه‌سازی‌هایی می‌سود که این‌روزها رواج یافته است. در این رمان، برخلاف بعضی کتب که دوپاره می‌نماید، ساخت فضای وهمی از همان آغاز شروع می‌شود. راوی باید دستورات فرقه را مو به مو اجرا کند تا ماورایی شود و قدرتی فراطبیعی بیابد و بتواند زندگی بهتری برای خود تدارک بیند. در این راه، ماجراهای کمیکی در فضای اجتماعی امروز را به نمایش می‌آورد؛ شخصیّت او و جلوه‌هایی از شر پنهان وارد زندگی راوی می‌شود. رابط اینترنتی او با گروه، به هر بهانه او را سرکیسه می‌کند و نویسنده فرصت می‌یابد تا از طریق وصف ریزریز مراحل ماورایی شدن، سرسپردگان فرقه‌ها را دست بیندازد. دبیر ادبیات، که جا و بی‌جایی از اشعار کلاسیک را چاشنی کلام می‌کند، خود را عقل کل می‌پندارد، زنش و رفت‌وآمدهای او با دوستانش را مسخره می‌کند. اما زن که عاقل‌تر از اوست، متوجه شده که دارند همسرش را فریب می‌دهند. حتی «اصغر»، دوست به‌ظاهر فلسفه‌خواننده مرد نیز از بلاهت او سوءاستفاده می‌کند. زن، خواننده خشم و هیاهوی ویلیام فاکنر، شوهر را «بنجی» می‌نامد («بنجی» ابله معصوم سی‌وسه ساله‌ای است که در دوره کودکی متوقف شده). ورود چند گربه سخنگو از جانب فرقه به زندگی راوی - حاصل توهمات ذهن آشفته او؟ - جو فانتاستیک داستان را غلظت می‌بخشد. راوی آنقدر ماجرا باور کرده که از رفتار انسان‌وار گربه‌ها تعجبی نمی‌کند. انگار راوی نفس کش است که می‌گوید: «کدام واقعیت؟ واقعیت را خود ما ایجاد یا تعریف می‌کنیم».

۲. تاریخ ادبیات داستانی

چکامه گذشته/ مرثیه زوال (مجموعه مقالات)، شاپور بهیان، نشر چشمه ۱۳۹۴، ص ۲۵۴.

شاپور بهیان (۱۳۴۱، مسجدسلیمان -) استاد ادبیات در دانشگاه آزاد است و از رساله دکتری خود با عنوان جامعه‌شناسی رمان فارسی و مسئله دیگری دفاع کرده است. با ترجمه آثاری - همچون رمان تاریخی (۱۳۸۸) اثر گئورگی لوکاچ، کافکا به سوی ادبیات اقلیت (۱۳۹۲) از دلوز و گتاری، گزیده مقالات زبیل (۱۳۹۵)، و درآمدی بر شناخت رمان نوشته جرمی هاوتورن - به زبان فارسی، مترجم شناخته‌شده آثاری در زمینه نظریه و تاریخ ادبیات، به‌شمار می‌آید. وی جز مجموعه‌ای از مقالات، داستان‌های کوتاه خود، در سرزمینی دیگر (۱۳۹۵)، را نیز منتشر کرده است.

کینگ
وسيله
جایی
ی زند

رگیر
موهر
نگار
نقی
نای
شود
دی
بیج

۱۳۹۱
چهارم - بهار
نص
تکی و زبان‌های خارجی

چکامه گذشته / مرثیه زوال، حاوی مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی ادبیات، در دو بخش تنظیم شده است: نقد ادبی و نظریه‌پردازی. در این بخش از ستون «داستان‌نویسی» به نوشته‌های بخش دوم، نظریه‌پردازی در باب نوع‌شناسی رمان و داستان کوتاه، کاری نداریم و بر مقالات بخش نخست - معرف نگاه مؤلف به تاریخ ادبیات داستانی ایران - متمرکز می‌شویم. بهیان بر آن است که داستان بر ساخته‌ای است که پیش از بازآفرینی واقعیت موجود، واقعیت تخیلی خود را می‌سازد و، در این راه، متأثر از گفتمان‌های چیره بر زمانه نگارش اثر است. او می‌کوشد نشان دهد واقعیت در هر اثر چگونه ساخته می‌شود و نویسنده «مؤلف گفتمانی است... که نحوه دیدن و ساختن واقعیت او را مشروط کرده است.» با مرور مقالاتی که وی به روش تحلیل گفتمان نوشته، می‌توان تصویر و تصور وی از تاریخ ادبیات داستانی ایران را دریافت. «گفتمان مجموعه‌ای از قواعد است که شیوه سخن گفتن در یک دوره را مشخص می‌کند و لاجرم با طرد و منع سایر گفتمان‌ها و از این رو، با قدرت در پیوند است. این قدرت لزوماً قدرت متمرکز در دستگاه سیاسی مسلط بر جامعه نیست و ممکن است در سطوح مختلف، در بین لایه‌های اجتماعی منتشر شده باشد» (ص ۲۲). گفتمان‌ها «عقاید، افکار و بینش‌هایی [اند] که بیرون از خلاقیت فردی نویسنده وجود دارند و برای او تعیین می‌کنند که چگونه بنویسد» (ص ۳۶). می‌خواهیم، با جابه‌جایی مقالات کتاب و دادن ترتیبی تاریخی به آنها، ببینیم بهیان چگونه رمان‌ها را به شیوه تأویل متن بررسی می‌کند تا وابستگی آنها به گفتمان‌های مختلف را بنمایاند.

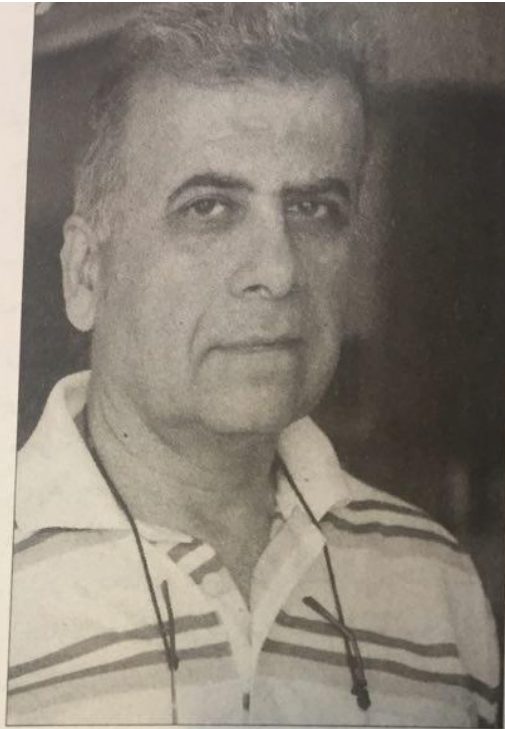
گفتمان یا سخن discourse، «عرضه منظم یک موضوع معین در قالب نوشتار یا گفتار»^(۱)، از اصطلاح‌های کلیدی در اندیشه میشل فوکو به‌شمار می‌آید: «هر رشته خاص از دانش در هر دوره خاص تاریخی، مجموعه‌ای از قواعد و قانون‌های ایجابی و سلبی (پذیرنده و طردکننده) دارد که معین می‌کند درباره چه چیزهایی می‌توان بحث کرد و درباره چه چیزهایی نمی‌توان وارد بحث شد. همین قواعد و قانون‌های نانوشته - که در عین حال بر هر گفتار و نوشتاری حاکم‌اند - سخن [گفتمان] آن رشته خاص در آن دوره خاص تاریخی هستند.»^(۲) در واقع، سخن است که، در هر دوره، در قالب مجموعه‌ای از مفاهیم، موضوع خود را معین می‌کند و مؤلف را به کار می‌گیرد. پس، سرچشمه قدرت، آن است نه مؤلف. **نظام سخن** هر دوره «نظمی است که ما براساس آن می‌اندیشیم.»^(۳)

(۱) ایرنا ریما مکاریک، دانشنامه نظریه‌های ادبی، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، آگه، ۱۳۸۳، ص ۲۵۶-۲۶۲
 (۲) بابک احمدی: میشل فوکو، اریک برنز، ترجمه ب. احمدی، نشر ماهی، ۱۳۸۱، ص ۱۱.
 (۳) پیشین، ص ۹۱.

• دکتر شاپور بهیان

بهیان با روش تحقیق بینارشته‌ای داستان‌های کوتاه و رمان‌های فارسی را به روش سیاسی-اجتماعی زمانه پدید می‌آورد. بهیان چیره بر آن دوره، بر نحوه نگارش و چگونه نویسنده‌گان در چارچوب گفتمان‌ها، بدین سان، متن‌های مورد بررسی را می‌خواند.

بهیان هر مقاله را با بحث در خصوص شخص شده است، شروع می‌کند و از آنجا به بحث اجتماعی-تاریخی شکل می‌دهد. بهیان در نخستین دوره مورد بررسی فرهنگی معاصر را از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ بررسی می‌کند. پرسش‌های جامعه‌شناختی است. منظور از فکر ادبی...



• دکتر شاپور بهیمان

۲۷۷

بهیمان، با روش تحقیق بینارشته‌ایِ گفتمان‌کاوی، چگونگی تکوین معنای برخی از داستان‌های کوتاه و رمان‌های فارسی را توضیح می‌دهد. به متن‌های مورد نظر خود در بافت سیاسی - اجتماعیِ زمانهٔ پیدایش آنها می‌پردازد تا نشان دهد چگونه ایدئولوژی و گفتمان چیره بر آن دوره، بر نحوهٔ پدیداریِ متن‌ها تأثیر گذاشته و آنها را شکل داده است؛ و چگونه نویسندگان در چارچوبیِ گفتمانی، به صورت معینی دربارهٔ موضوع‌ها نوشته‌اند. بدین سان، متن‌های مورد نظر به پدیده‌های نهادی‌تر اجتماعی - تاریخی ربط می‌یابند.

بهیمان هر مقاله را با بحث در مورد موقعیت تاریخی که زمینه‌سازِ ظهورِ گفتمانی مشخص شده است، شروع می‌کند. آنگاه می‌کوشد نشان دهد آثار ادبی، مقید به شرایط و زمان اجتماعی - تاریخیِ شکل‌گیری‌شان هستند.

وی در نخستین دورهٔ مورد بررسی خود، مقالهٔ «ملت‌سازی در عصر رضاشاه»، تاریخ فرهنگیِ معاصر را از سال‌های پس از جنبش مشروطه و شروع حاکمیت پهلوی اول بررسی می‌کند. پرسشِ جامعه از کیستی و چیستیِ خود، زمینه‌سازِ گفتمانِ این دوره است: منورالفکران عصر مشروطه، متأثر از روشنگران قرن هجدهم اروپا، و برای

هوشیار کردن ایرانیان خواب مانده و جامانده از حرکت جهانی تاریخ، آثاری در تنبیه و تذکر نوشتند. «انقلاب مشروطه کوششی است در جهت تحقق یک خود برساخته از طریق یک گفتمان» نقادانه که منابع اصلی اش را از مدرنیته می گیرد. این گفتمان رستن از تباهی جهل و ظلم و فساد و غارت، و گام نهادن در مسیر پیشرفت و قدرت عقلی - «تصویر گریزناپذیر تاریخ ایران پس از انقلاب مشروطه است. گفتمان های ادوار تاریخ معاصر ایران باید تکلیف خود را با این تصویر روشن کنند. آیا قرار است آن را حفظ و تکمیل کنند؟ آیا در پی نفی و انکار آن اند؟ یا می خواهند در آن بازنگری کنند؟ هر گفتمانی از این به بعد پاسخی است به آن تصویر... گفتمان عصر رضاشاه [ناسیونالیسم مبتنی بر تجددطلبی آمرانه] تا حد زیادی همان مؤلفه های گفتمان عصر مشروطه را مطرح می کند.» زیرا به تجدد و نوسازی کشور در چهارچوب دولت-ملت، باستان گرایی و عرب ستیزی، و فرنگی مآب شدن جامعه معطوف است.

در نظر فوکو هر «گفتمان به مثابه یک پدیده تاریخی» مطرح می شود. وی با کاربرد اصطلاح گسست، نشان می دهد که کنش های گفتمانی، متناسب با تغییر موقعیت های تاریخی، گذرا و ناپایدارند. و با شکل گرفتن نظام تازه سخن، گسست از شیوه های پیشین رخ می دهد. نظریه گفتمان «اثر ادبی را نمونه و مثالی از نهاد ادبی تاریخاً دگرگون شونده ای می داند که به شیوه های گوناگون و در زمان های متفاوت، میانجی روابط میان نویسنده و خواننده می شود و با این کار، توزیع نابرابر قدرت در جوامع را بازمی تاباند، دگرگون می کند یا با آن به چالش برمی خیزد.»^(۱) در این معنا، به گذرا بودن زمانه، تغییر نسل ها و روح زمان^(۲)، و جابه جایی روندهای فکری غالب، توجه می شود.

در سال های پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه، این نظام سخن جای به نظامی متفاوت داد. در این دوره گفتمان چپ به نمایندگی حزب توده ایران مطرح شد که، به زعم آن، دیگر «سازنده هویت جمعی ایرانی... یک خود باستان گرا نبود... اکنون دیگری ایرانی، انسان مبارز و زجر کشیده و مصممی بود که به آینده نظر داشت و، به قول نیمایوشیچ، در خیال "روزهای روشن" با نیروهای سرمایه داری و امپریالیسم و فاشیسم می جنگید.» برگزاری نخستین کنگره نویسندگان ایران (۱۳۲۵) گامی در جهت تثبیت این گفتمان در عرصه ادبیات ایران بود. بهیان در مقاله «صادق هدایت

(۱) ایرنا ریما مکاریک، ص ۲۶۰.

(۲) (spirit of time) احساس یا فضای ذهنی حاکم بر یک دوره، که هم متأثر از فضای فرهنگی دوره است و هم بر آن اثر می گذارد. هر نویسنده جهان داستانی خاص خود را می سازد، اما علم و دین و سیاست، و سنت ها و قراردادهای هنری و ادبی عصر نیز نقشی بر کار او می نهند که معرف روح زمان است. (← احمد اخوت: «روح زمان دوره ای»، زنده رود، شماره ۴۳-۴۵، تابستان-زمستان ۱۳۸۶)

حزب توده ایران بر آن است
نویسنده پس از مرور زمینه

مشروع احسان طبری از ا

هدایت بررسی می کند. و

بار دیگر به این نکته بازمی

بازتاب را به عنوان «رجا

رضاشاه زندگی کرد» اما به

عینی تفسیرهایش را در مد

حسرت خود نسبت به گذشته

را در پدید آوردن رمانی مد

ارز و واقع، هدایت همان طو

به مؤلف رمان یا د

چکامه‌ی گذشته / مرثیه‌ی زوال

مجموعه مقالات



۲۷۹

و حزب توده ایران» بر آن است که هرچند هدایت به حزب توده نپیوست، «به عنوان فرزند زمانه خود، در افق فکری‌ای اندیشید و قلم زد که حزب توده تعیین کرده بود.» نویسنده پس از مرور زمینه‌های شکل‌گیری این حزب و طرزتلقی نظریه‌پردازانی همچون احسان طبری از ادبیات، رمان حاجی آقا را به عنوان یکی از «آثار توده‌ای هدایت» بررسی می‌کند. وی در مقاله «صادق هدایت و نوشتن درباره دیکتاتور» بار دیگر به این نکته بازمی‌گردد که هدایت، تحت تأثیر گفتمان چپ‌گرا، "حاجی ابوتراب" را به عنوان «رجاله سرمایه‌دار» می‌شناساند. هدایت «در دوران دیکتاتوری رضاشاه زندگی کرد» اما بعد از شهریور بیست و سرنگونی حکومت، حاجی آقا و بعضی قضیه‌هایش را در مذمت دیکتاتور نوشت و نارضایی خود از وضع موجود و حسرت خود نسبت به گذشته را نشان داد. نویسنده پس از توصیف اثر هدایت، وی را در پدیدآوردن رمانی مدرن درباره دیکتاتور ناموفق می‌یابد. او مشکل را در این می‌بیند که: هدایت همان‌طور در داستان‌هایش حضور پیدا می‌کند که در نامه‌هایش و، در واقع، «نمی‌تواند بدون فاصله‌گذاری لازم در نوشتن مدرن، بدون تبدیل شدن به مؤلف رمان یا داستان، بنویسد». به تعبیر کافکا، نمی‌تواند «من» مؤلف را تبدیل به

«او»ی شخصیت داستانی بکند. بهیان بر آن است که: هدایت «باید خود را در آثارش می‌کُشت، نه در زندگی واقعی».

نقش گفتمان چپ‌گرا در ادبیات دهه ۱۳۲۰-۱۳۳۰ در مقاله «داستان‌های توده‌ای ابراهیم گلستان» نیز دنبال می‌شود. گلستان در نخستین مجموعه داستان خود، آذر ماه آخر پاییز (۱۳۲۷)، حال‌وهوای جامعه در دوره خروج روس‌ها از ایران و هجوم حکومت به حزب توده را مصور می‌سازد. خود او، ایده‌آساز این قصه‌ها را «ترقی‌خواهی و حتی مارکسیسم» می‌داند. بهیان، پس از شرح قصه‌ها، بازیگران ماجراهای آنها را درگیر «انتخاب میان گذشته و آینده یا فردا» می‌یابد و نشان می‌دهد بر فضای قصه‌ها صدایی رسا و بی‌تردید چیره است که خواهان پایداری شخص و وفاداری او به آرمان‌های حزبی است. وی نخستین داستان‌های گلستان را نوشته‌شده بر اساس الگوی مسلط بر ادبیات رئالیسم سوسیالیستی ارزیابی می‌کند و، در آنها، رابطه قهرمان اصول‌پرداز و نوآموزی را به‌جلوه درمی‌آورد که باید به سوی مشی حزب راهنمایی شود.

زمان می‌گذرد، دهه ۱۳۴۰ فرامی‌رسد و این بار، چنان‌که در مقاله «در مصاف با دیگری» می‌خوانیم، گفتمان غربزدگی بر حیات اجتماعی و فکری ایران غالب می‌شود و «نتایج اجتماعی-سیاسی مهمی در پی می‌آورد که مهم‌ترین جلوه آن انقلاب اسلامی است.» در این گفتمان، «طرح دیرینه دیگری‌شدن به‌کناری نهاده می‌شود. دیگری، دیگر مطلوب و خواستنی نیست. او حتی منشأ بدی‌ها و تباهی‌های جامعه ما است. در دوره مشروطه خرافات و استبداد مانع دیگری‌شدن ما بود. در دوره رضاشاه این مانع، نفوذ اعزاب تلقی می‌شد. در دهه ۱۳۲۰، سرمایه‌داری و امپریالیسم و نوکران داخلی آنها. در دو دهه ۴۰ و ۵۰ کل معادله دگرگون می‌شود... اکنون خود دیگری مانع است.» آنگاه نویسنده می‌کوشد تأثیر گفتمان غربزدگی را «بر نحوه‌ساختن شدن واقعیت» در دو رمان سووشون سیمین دانشور و بره گمشده راعی از هوشنگ گلشیری نشان دهد. وی نخست «گفتمان غربزدگی» را توصیف می‌کند: چرخشی در رویکرد به غرب پیش می‌آید و طی آن غرب و غربی نفی می‌شوند- بر اساس سنتزی از ستیز مارکسیسم‌لنینیسم با غرب امپریالیست، گرایش ناسیونالیستی مبتنی بر جست‌وجوی هویت و اصالت فرهنگی و مخالفت با نفوذ خارجی، و نگرش دینی که غرب را مترادف با فساد فرهنگی می‌داند و در نتیجه با نفوذ آن مخالف و خواهان بازگشت به خویش است.

بهیان بارزترین نمود این گفتمان را در غربزدگی جلال آل‌احمد می‌یابد. پس از شرحی انتقادی از این رساله، به آراء بهیان در این باره می‌پردازد. علی شریعتی و

دربوش شایگان و احسان نراقی می‌پردازد. آنگاه بارزترین نمود گفتمان غریب‌دگی و بازگشت به خویش را در دو رمان این دوره می‌یابد. نخست به سووشون می‌پردازد و رویکرد دانشور به نقش انگلیسی‌های مستقر در شیراز را نوعی بیگانه‌هراسی منطبق بر گفتمان غریب‌دگی ارزیابی می‌کند. این امر در برهه گمشده‌ی رمان گلشیری «رمان تمکین روشنفکر به سنت‌ها و بازگشت به باورها و اعتقادات و روش‌های زندگی مردم عادی» است. و در آن، غرب مسئول بی‌اعتبار شدن سنت و انمود می‌شود؛ ایده مسلط بر رمان «از پیش به استقبال آن عناصری از سنت [می‌رود] که اکنون غالب‌اند».

بزرگ بهرام صادقی - سوییۀ دیگری از این غریب‌دگی مطمح نظر قرار می‌گیرد - سوییۀ که در طرز تلقی منفی از شهر، به‌عنوان مکانی مدرن که انسان‌ها را از خویشن خویش دور می‌کند، امکان بروز پیدا می‌کند.

مقاله «چکامه گذشته / مرثیه زوال» با این رویکرد نوشته شده که داستان‌های بهرام حیدری بر بستر گفتمان سوسیالیسم محور فقیرپسندی قابل تأویل است که در دهه ۱۳۵۰ بر ادبیات ایران سلطه داشت.

۲۸۱

نویسنده در مقاله «از دژستان تا آرمان‌شهر»، با ارائه تفسیری از رمان تهران شهر بی‌آسمان اثر امیرحسن چهل‌تن، می‌کوشد گفتمانی را تبیین کند که شیوه توصیف واقعیت در برخی از آثار دهه ۱۳۶۰ - ۱۳۷۰ را صورت‌بندی می‌کند. در این رمان تصویر شهری که فقط ظواهر مدزنیته را به‌خود گرفته است «تاحدی به تصویر شهر در آثاری از دهه ۱۳۴۰ - ۱۳۵۰ شبیه است. با این تفاوت که دیگر صلاهی «بازگشت به خویش» سر داده نمی‌شود. اگر در گفتمان غریب‌دگی خود شهر پلید و شهری شدن مترادف با خودباختگی انگاشته می‌شد، در این رمان «شهر پلید نیست، به پلیدی دچار شده است. این پلیدی‌ها، گروهی از افراد جامعه، از جمله مهاجرین و لمپن‌هایی را که از حکومت شاه بی‌نصیب می‌مانند، به سوی جریان جدیدی می‌راند که ندای بازگشت به خویشن سر می‌دهد و احساس اطمینان و ایمنی در آنها به‌وجود می‌آورد.» این طرز تلقی، «رمان چهل‌تن را بر بستر گفتمان جدیدی می‌نشانند که عامل مهم تحولات اجتماعی جدید را کینه‌توزی می‌داند: ... «کرامت» در رمان تهران شهر بی‌آسمان، نماینده تمام کینه‌توزانی است که علیه هر چیزی که بر ناامنی‌شان دامن می‌زند، می‌شورند».

در مقاله «نویسنده همچون شمن است»، به جنبه دیگری از حال‌وهوای چیره بر فضای داستان‌نویسی این روزهای مان پرداخته می‌شود. به باور گلشیری، همان‌طور که شمن شفابخش، با خواندن اوراد و انجام دادن اعمال جادویی، نیروهای شرور را از تن

بیماران خارج می‌کند، نویسنده نیز با متعهد دانستن خود به مسائل اجتماعی و نوشتن از کابوس‌های فردی و جمعی، می‌کوشد باطل‌السحر کابوس‌ها را بیابد تا رهایی امکان‌پذیر شود. بهیان رویکرد گلشیری را در تقابل می‌نهد با نویسندگانی از این روزگار، که گریزان از هر نوع تعهدی، تنها در پی تولید ادبیاتی پرفروش‌اند. آنگاه، گلشیری را نویسنده‌ای می‌شناساند که، همچون شاهدی تیزبین، نگران مسائل روزگار خود بود، اما بی‌آنکه در بند ایدئولوژی گرفتار شود، پاسخ فردی و هنری خود را به این مسائل می‌داد.

بدین‌سان، شاپور بهیان تحلیل خود از تاریخ ادبی معاصر را از طریق بازنمایی دگرگونی‌گفتمان‌ها به نمایش می‌گذارد؛ می‌کوشد مبادلات میان گفتمان‌های گوناگون را بنمایاند، و نوعی صورت‌بندی از تاریخ داستان‌نویسی ایران به دست دهد. در واقع، با شرح و توصیف گفتمان‌ها، راهی به تبارشناسی تاریخی ادبیات بگشاید.

۳. مرگ مؤلف

به گزارش خبرگزاری‌ها، مرتضی کلانتریان (۱۳۱۱، تنکابن - خرداد ۱۳۹۸)، حقوقدان و مترجم صاحب‌نام، از طبقه دوازدهم خانه‌اش در یکی از برج‌های تهران خود را به پایین پرتاب کرد. بعداً، پسر وی گفت: پدر به سبب کهولت، ناخواسته، از پنجره به بیرون پرت شده است.

کلانتریان پس از کسب درجه دکتری حقوق از دانشگاه پاریس، به وطن بازگشت و به عنوان قاضی دادگستری به کار پرداخت. چندی نیز به وکالت روی آورد. اما این کار را رها کرد و اوقات خود را به ترجمه متون حقوقی و ادبی گذراند. در زمینه فلسفه سیاسی و حقوقی آثاری همچون ادبیات و حقوق اثر فیلیپ مالوری، بررسی یک پرونده قتل از میشل فوکو، رویا و تاریخ اثر کلود ژولین، قرارداد اجتماعی اثر داستانی برای